

شواهدی جدید از دوره پارینه‌سنگی در شهرستان خوسف، خراسان جنوبی، حاشیه شمال شرقی کویر لوت در شرق ایران

میثم نیک‌زاد* و حسین صدیقیان**

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران پیش از تاریخ، دانشگاه تربیت مدرس

** دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی، دانشگاه تهران

چکیده

استان خراسان جنوبی از منظر مطالعات باستان‌شناسی پارینه‌سنگی منطقه ناشناخته است. شهرستان خوسف به عنوان یکی از شهرستان‌های این استان که در بخش‌های غرب تا جنوب غرب آن در حاشیه شمال شرقی کویر لوت واقع شده، در بهار سال ۱۳۹۳ با هدف شناسایی تمامی آثار فعالیت‌های گذشته انسان در منطقه، مورد بررسی باستان‌شناختی قرار گرفت. بررسی به صورت غیرپیمایشی صورت گرفت و منتج به شناسایی ۲۳۸ اثر و محوطه باستان‌شناختی از دوران پیش از تاریخ تا دوره اسلامی متأخر گردید. گرچه عمده آثار شناسایی شده شامل محوطه‌ها و بناهای مذهبی، نظامی، مسکونی و عام‌المنفعه دوران اسلامی (عمدتاً متأخر) بود و شواهد دوره پیش از تاریخ در میان یافته‌ها بسیار اندک و ضعیف، اما در شش محل بقایایی سطحی که احتمالاً به دوره پارینه‌سنگی میانی تعلق دارند، مورد شناسایی قرار گرفت. محوطه‌های مزبور در بخش‌های تپه ماهوری شرق شهرستان خوسف قرار گرفته‌اند. با توجه به اهمیت این یافته‌ها، مقاله حاضر به معرفی و مطالعه مقدماتی دست‌افزارهای سنگی گردآوری شده از این محوطه‌ها پرداخته است.

واژگان کلیدی: خراسان جنوبی، شهرستان خوسف، بررسی باستان‌شناختی، دوره پارینه‌سنگی میانی، حاشیه شمال شرقی کویر لوت.

مقدمه

فعالیت‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در خراسان، معطوف به اطراف مشهد و نیشابور و عمدتاً آثار دوران اسلامی این مناطق بوده است (لباف‌خانیکی، ۱۳۷۷).

از همین رو نیز اطلاعات ما از دوره پارینه‌سنگی در نیمه شرقی ایران تنها شامل شواهدی از پارینه‌سنگی قدیم در بخش‌های شمالی درحوالی مشهد از حوضه رودخانه کشف رود (Ariai & Thibault, 1975; Biglari & Shidrang, 2006; Jamialahmadi et al., 2006) و در بخش‌های جنوبی، از لادیز، سیمیش و ماشکید (Hume, 1976; Vita-) (VahdatiNasab et al., 2010) و مکران در بلوچستان (Finzi & Copeland 1980) می‌گردد. اما در بخش‌های

شرایط زیست محیطی نامطلوب امروز و فقدان منابع آب دائم در نیمه شرقی ایران سبب شده تا توجه باستان‌شناسان کم‌تر به این منطقه جلب شود و به طور کلی دانش ما از وضعیت باستان‌شناسی پیش از تاریخ آن بسیار مبهم و تیره باشد. گرچه پژوهش‌های باستان‌شناختی در خراسان از سال ۱۸۶۷ م. با مطالعات اشیپگل آغاز گردید، اما به دلیل گرایش غربیان به جنوب و جنوب غرب ایران این مطالعات به طور جدی ادامه نیافت (زارعی و دیگران، ۱۳۹۱). با گذشت بیش از ۸۰ سال از آغاز پژوهش‌های باستان‌شناسی در خراسان و تا پیش از تقسیم استان خراسان به سه استان شمالی، رضوی و جنوبی عمده

خشک و زمستان‌های نسبتاً سرد است. حداکثر بارش در سه ماهه اسفند، فروردین و اردیبهشت بوده و کمی نزولات آسمانی باعث شده که هیچگونه رودخانه دائمی در منطقه جریان نداشته باشد. ریزش‌های جوی کم (در حدود ۱۶۶ میلی‌متر)، درجه حرارت بالا در فصول گرم، اختلاف درجه حرارت شدید (۴۰ درجه) و طولانی بودن دوران خشکی (بیش از هفت ماه از سال) نیز از ویژگی‌های عمده اقلیمی و طبیعی منطقه است. وضعیت بری، سبب بارش باران‌های سنگین و نامنظم در منطقه شده است (مسعودی و کاویانی، ۱۳۸۵). شهرستان خوسف با وجود آنکه تقریباً در منطقه‌ای گرم و خشک قرار گرفته و حتی نیمه غربی و تا حدودی جنوب غربی آن را کویر لوت فرا گرفته، از سه اقلیم متفاوت کویری، کوهپایه‌ای و کوهستانی تشکیل شده است. ارتفاع این شهرستان نیز از سطح آب‌های آزاد به دلیل دارا بودن سه اقلیم متفاوت، بین ۱۱۰۰ تا ۲۵۰۰ متر متغیر است.

از لحاظ تقسیم‌بندی‌های زمین‌شناسی این بخش در محدوده زون سیستان قرار گرفته است. این زون در شرق توسط گسل هریرود و از غرب توسط گسل نهبندان احاطه شده است. مرز جنوبی آن نیز توسط گسل بشاگرد از زون مکران و مرز شمالی آن توسط یک گسل با روند شرقی - غربی مشخص می‌شود (زمردیان، ۱۳۸۳).

بررسی سال ۱۳۹۳

بررسی باستان‌شناسی سال ۱۳۹۳ به سرپرستی حسین صدیقیان طی یک فصل صورت پذیرفت (صدیقیان و نیک‌زاد، ۱۳۹۳). به سبب نامساعد بودن چشم‌انداز جغرافیایی کنونی محدوده بررسی برای استقرار انسان، بررسی اغلب با وسیله نقلیه انجام شد و تنها مکان‌های مستعد استقرار همچون حاشیه رودخانه‌های فصلی یا چشمه‌های آب مورد بازدید و پیمایش قرار گرفت، اما در همین محدوده بررسی‌های پیمایشی نیز یافته‌ای دستگیر هیأت نشد. به طور کلی بررسی به صورت روستا به روستا و استفاده از اطلاعات اهالی بومی صورت گرفت. نمونه‌برداری نیز به صورت تصادفی (احتمالی ساده) صورت پذیرفت. در نتیجه این بررسی از شش محل شواهدی احتمالی از دوره پارینه‌سنگی میانی شناسایی گردید.

مرکزی شرق ایران، یعنی استان امروزی خراسان جنوبی، اطلاعات از دوره پارینه‌سنگی میانی بسیار اندک و تنها محدود به کاوش‌های استنلی کون در غار پارینه‌سنگی میانی خونیک بیرجند (Coon, 1951; 1957: 87) و شواهدی از بررسی‌های سطحی اخیر در شهرستان سربیشه است (برفی و سروش، ۱۳۹۲). در بهار سال ۱۳۹۳ شهرستان خوسف در جنوب غرب بیرجند به منظور شناسایی تمامی آثار تاریخی مورد بررسی باستان‌شناختی قرار گرفت و در مجموع ۲۳۸ اثر از دوران پارینه‌سنگی تا اسلامی متأخر مورد شناسایی قرار گرفت (صدیقیان و نیک‌زاد، ۱۳۹۳). در این میان شش محوطه در برگیرنده پراکنشی از دست‌افزارهای سنگی و احتمالاً متعلق به دوره پارینه‌سنگی میانی هستند.

وضعیت جغرافیایی و اقلیمی منطقه مورد بررسی

محدوده بررسی با مساحت ۱۳۱۴۴ کیلومتر مربع شامل بخش‌های غرب تا جنوب غرب استان خراسان جنوبی می‌شود که در حاشیه شمال شرقی کویر لوت واقع شده است. شهرستان خوسف از شمال با شهرستان‌های بیرجند و سرایان، از شرق با شهرستان‌های سربیشه و نهبندان، از غرب با شهرستان طبس و از جنوب با شهرستان راور کرمان هم‌مرز است. این شهرستان همچنین از دو بخش مرکزی و جلگه ماژان و چهار دهستان به نام‌های خوسف، قلعه‌زری، جلگه ماژان و براکوه تشکیل شده است (تصویر ۱).

منطقه بررسی از نظر طبیعی شامل سه بخش دشت‌های پای‌کوهی (دهستان خوسف)، کوهپایه‌های حاشیه شرقی (دهستان‌های براکوه و جلگه ماژان) و صحراهای خشک در نیمه غربی (دهستان قلعه‌زری) می‌گردد. بخش‌های غربی و جنوب غربی محدوده بررسی در دهستان قلعه‌زری به سبب هم‌جواری در حاشیه کویر لوت، خشک و لم یزرع است (تصویر ۲). اما هر چه از جانب غرب به سوی شرق شهرستان و به سوی کوهپایه و تپه‌ماهورهای حاشیه شرقی آن حرکت می‌کنیم، از نظر منابع آب و وضعیت زمین‌های کشاورزی شرایط مطلوب‌تری مشاهده می‌شود (تصویر ۳).

خوسف با مناطق بیابانی وسیع، دارای تابستان‌های گرم و

محوطه‌های پارینه‌سنگی

مجموعه شامل یک قطعه تراشه - سنگ مادر، دو قطعه سنگ مادر دیسکی شکل، یک خراشنده (؟)، نه تراشه ساده، هشت قطعه تراشه روتوش دار و دو قطعه دور ریز می‌شود. تنها خراشنده مجموعه از جنس سنگ چخماق مرغوب به رنگ زرد روشن است. این خراشنده روی تراشه ساخته شده و سطح انتهایی آن روتوش شده است. قطعه مزبور چهار سانتی‌متر طول و ۱.۹ سانتی‌متر عرض و ۰.۶ سانتی‌متر ضخامت دارد. با توجه به حضور سنگ مادرهای دیسکی شکل و قطعات روتوش دار و خراشنده انتهایی، می‌توان قدمت دوره پارینه‌سنگی میانی (؟) را برای این مجموعه پیشنهاد نمود (تصویر ۶: شماره‌های ۵ و ۷).

خوانند ۲

این محوطه در فاصله ۱۰۰ متری غرب روستای خوانند در ۱۸۵ متری جنوب غرب قلعه خوانند قرار گرفته است. محوطه خوانند ۲ بر دامنه شمالی یک ناهمواری نه چندان مرتفع و دره پیرامونی آن قرار گرفته و جوانب پیرامونی آن را در غرب تماماً کوه‌های بزرگ و کوچک فراگرفته است. در سطح محوطه، علاوه بر پراکنشی از سفال‌های لعابدار قرون میانی-متأخر دوران اسلامی، تعدادی دست‌افزار سنگی نیز پراکنده است. در بررسی این محوطه هفت قطعه مصنوع سنگی گراآدوری گردید. این قطعات از سنگ چخماق با کیفیت به رنگ قهوه‌ای روشن متمایل به زرد با رگه‌های سفیدرنگ تراشیده شده و همگی /اغلب/ بدون پوسته هستند. تمام قطعات تراشه‌های ساده و بدون روتوش هستند. بزرگ‌ترین قطعه ۵.۲ سانتی‌متر طول، ۴.۴ سانتی‌متر عرض و ۲.۳ سانتی‌متر ضخامت دارد و کوچک‌ترین قطعه ۲.۷ سانتی‌متر طول، ۱.۶ سانتی‌متر عرض و ۳ میلی‌متر قطر دارد. گرچه به علت شاخص نبودن مجموعه و شمار اندک آن‌ها نمی‌توان تاریخی برای آن‌ها پیشنهاد نمود، اما با توجه به نزدیکی این یافته‌ها یا محوطه قلعه خوانند، بعید نیست که به احتمال این مجموعه کوچک نیز مربوط به بازه پیش از دوره نوسنگی باشد.

محوطه کمربیک

این محوطه چسبیده به جانب شرقی روستای رگ از توابع دهستان قلعه‌زری است. بخشی از مکانی که امروزه این محوطه

از شش محوطه قلعه خوانند (Kh. 038)، خوانند ۲ (Kh. 039)، محوطه کمربیک (Kh. 053)، محوطه لاخ آتش (Kh. 054)، بارانداز (Kh. 078) و سراب همند (Kh. 170) پراکنده‌گی از دست‌افزارهای سنگی شناسائی شده است. این محوطه‌ها در بخش‌های کوهپایه‌ای نیمه شرقی بررسی در مکان‌هایی که از نظر زیست‌محیطی، دسترسی به منابع آب و منابع سنگ خام به نسبت بخش‌های غربی و کویری محدوده بررسی، دارای وضعیت مطلوب‌تری است، در ارتفاع ۱۳۲۸ تا ۱۷۵۰ متری از سطح دریا شناسائی شده‌اند (تصویر ۴ و نقشه رنگی ۱). پراکنش دست‌افزارهای سنگی در این محوطه‌ها نسبتاً کوچک و معمولاً در فضایی به ابعاد ۳۰×۳۰ متر این یافته‌ها گردآوری شده‌اند. مهم‌ترین و بزرگ‌ترین محوطه در این میان، محوطه سراب همند (Kh. 170) است که در چشم‌اندازی کوهپایه‌ای- کویری در حاشیه دشت و بر روی تپه ماهورها قرار گرفته و عمده یافته‌های شاخص پارینه‌سنگی میانی بررسی حاضر از سطح آن گردآوری شده است.

محوطه قلعه خوانند

این محوطه چسبیده به جانب شمالی روستای خوانند از توابع دهستان قلعه‌زری و روی یک تپه ماهور به ارتفاع حدود ۱۵ متر قرار گرفته است (تصویر ۵). جوانب پیرامونی این محوطه را تماماً ارتفاعات فرا گرفته و در فاصله حدود ۷۰ متری غرب آن یک رودخانه فصلی با جهت شمالی - جنوبی جریان دارد. در سطح این قلعه علاوه بر لاشه‌سنگ‌های ریز و درشت که احتمالاً به عنوان مصالح ساخت بنا استفاده شده و معدود قطعات شکسته آجر و سفال‌های بدون لعاب و لعاب‌دار قرون متأخر اسلامی، تعدادی ابزار سنگی از جنس چرت به ویژه در نیمه شمالی و غربی آن پراکنده است. در این بخش از محوطه ۲۳ قطعه دست‌افزار سنگی گردآوری شد. این دست‌افزارها از جنس سنگ چخماق به رنگ قرمز جگری با لکه‌های صورتی، قهوه‌ای روشن مایل به زرد و زرد روشن و کوارتز شیری رنگ با کیفیت مرغوب تا نیمه مرغوب تراشیده شده‌اند. تمامی قطعات فاقد پوسته بوده و بزرگ‌ترین قطعه ۴ سانتی‌متر طول دارد. این

بلندی‌هایی قرار گرفته که در آن‌ها رگه غنی از سنگ چرت قرار داشته که در گذشته اهالی محل به عنوان سنگ آتش‌زنه از آن‌ها استفاده می‌کرده‌اند (ر.ک. ادامه مطلب). یک رودخانه فصلی از فاصله حدود ۳۲۰ متری غرب این محوطه و در جهت شمالی - جنوبی عبور کرده است. علاوه بر پراکنش سفال‌های بدون لعاب دوره تاریخی، در محدوده برون‌زد سنگ چخماق، شش قطعه دست‌افزار سنگی شامل سه قطعه سنگ مادر، یک قطعه خراشنده انتهایی، دو قطعه تراشه روتوش‌دار و یک قطعه ریز تیغه جمع‌آوری گردید. تمام مجموعه از جنس سنگ چخماق به رنگ قهوه‌ای روشن، قهوه‌ای متمایل به زرد با کیفیت مرغوب تراشیده است. در میان سنگ مادرهای مجموعه یک عدد سنگ مادر چندسکویی قرار دارد. سنگ مادرهای مجموعه بدون پوسته اولیه بوده و از تمام سطوح آنان برای برداشت تراشه استفاده شده است. سنگ مادر چند سکویی مجموعه ۸.۷ سانتی‌متر طول، ۸.۳ سانتی‌متر عرض و در بیش‌ترین قسمت ۳.۷ سانتی‌متر ضخامت و حدود ۳۰۰ گرم وزن دارد. خراشنده انتهایی این مجموعه روی تراشه ساخته شده و ۸.۳ سانتی‌متر طول، ۴.۹ سانتی‌متر عرض و ۳.۵ سانتی‌متر ضخامت دارد. با توجه به حضور سنگ مادر چند وجهی و خراشنده‌های انتهایی و قطعات روتوش‌دار، این مجموعه به احتمال متعلق به دوره پارینه‌سنگی میانی (۲) است (تصویر ۶: شماره ۱۱).

محوطه بارانداز

بارانداز یک محوطه بزرگ تاریخی است که در فاصله ۱۴۰۰ متری جنوب شرق روستای سلم‌آباد از توابع دهستان براکوه قرار گرفته است. محوطه در دامنه یکی از ارتفاعات کوچک و در جهت شمالی - جنوبی شکل گرفته است. از این رو جوانب پیرامونی آن را تماماً ناهمواری‌های بزرگ و کوچک فرا گرفته است. رودخانه‌ای فصلی از نیمه شرقی محوطه و در جهت شمالی - جنوبی عبور کرده است. محوطه بزرگ بارانداز در جهت شمالی - جنوبی گسترده شده و ابعاد آن حدود ۲۶۳ × ۵۷ متر است. علاوه بر سفال‌های فراوان دوره تاریخی، در دامنه جنوبی آن و در محدوده‌ای به ابعاد ۵۰ × ۳۵ متر یازده مصنوع سنگی گردآوری شد. این قطعات شامل پنج تراشه ساده، چهار

در آن قرار گرفته، قبرستان روستا در آن ایجاد شده و باعث وارد آمدن آسیب‌هایی به محوطه شده است. رودخانه‌ای فصلی از فاصله حدود ۳۵۰ متری شرق این محوطه و در جهت شمالی - جنوبی عبور می‌کند. این محوطه در جهت شمالی - جنوبی و در ابتدای دامنه یک کوه‌پایه قرار گرفته است. در سطح محوطه پراکنش فراوانی از سفال‌های بدون لعاب و لعاب‌دار مربوط به دوره اشکانی و اسلامی به چشم می‌خورد. علاوه بر این سفال‌ها، در محدوده‌ای به ابعاد ۴۰ × ۳۰ متر مجموعه‌ای شامل ۱۴ دست‌افزار سنگی گردآوری گردید. مجموعه مزبور تماماً از جنس سنگ چخماق به رنگ قهوه‌ای روشن متمایل به زرد با کیفیت مرغوب و نیمه‌مرغوب تراشیده شده و همه آن‌ها فاقد پوسته اولیه هستند. مجموعه شامل سه قطعه سنگ مادر، شش قطعه تراشه روتوش‌دار و دندانه‌دار، سه قطعه تراشه ساده، یک خراشنده جانبی و یک خراشنده انتهایی می‌گردد. بزرگ‌ترین سنگ مادر مجموعه هشت سانتی‌متر طول، ۷.۵ سانتی‌متر عرض و ۵.۵ سانتی‌متر ضخامت و حدود ۳۵۰ گرم وزن دارد. تنها خراشنده انتهایی مجموعه روی تراشه ساخته شده و در بخش انتهایی دارای روتوش مستقیم است و ۹.۷ سانتی‌متر طول، در بیش‌ترین قسمت ۷.۵ سانتی‌متر عرض و ۱.۲ سانتی‌متر ضخامت دارد. خراشنده جانبی مجموعه روی تراشه ساخته شده و ۴.۹ سانتی‌متر طول، در بیش‌ترین قسمت ۲.۵ سانتی‌متر عرض و ۱.۲ سانتی‌متر ضخامت دارد. این قطعه روی لبه سمت چپ دارای روتوش است. با توجه با کمبود یافته‌های شاخص تاریخ‌گذاری دقیق محوطه دشوار می‌نماید، اما به دلیل حضور یک خراشنده جانبی و برخی از قطعات روتوش‌دار، می‌توان به احتمال تاریخ پارینه‌سنگی میانی (۲) را برای این مجموعه پیشنهاد نمود (تصویر ۶: شماره ۴).

لاخ آتش

این محوطه چسبیده به بخش غربی روستای رگ از توابع دهستان قلعه‌زری واقع شده است. در جانب غربی این محوطه یک رشته ارتفاعات نه چندان بلند در جهت شمال شرقی - جنوب غربی قرار گرفته و جوانب شمالی و جنوبی آن منتهی به دامنه‌های این ارتفاعات می‌شود. در جانب غربی این محوطه

شیری با دانه‌های سیاه با کیفیت مرغوب تا نیمه مرغوب تراشیده شده‌اند (تصویر ۸ و تصویر رنگی ۱). مجموعه مزبور شامل یک خراشنده جانبی، یک اسکنه ساخته شده روی تراشه لوالوا، یک عدد خراشنده دو سوپه (۲) و ۴ عدد تراشه کنگره‌دار (۳)، یک تراشه لوالوا، سه قطعه دندان‌دار و سه قطعه تراشه است. تمام قطعات فاقد پوسته اولیه‌اند. خراشنده مجموعه بین ۴-۵ سانتی‌متر طول، در بیش‌ترین قسمت ۳ سانتی‌متر عرض و ۵ میلی‌متر ضخامت دارد. این قطعات روی تراشه ساخته شده و دارای روتوش‌های منظم است. اسکنه موجود در مجموعه روی تراشه لوالوا ساخته شده و ۴.۵ سانتی‌متر طول و ۲.۲ سانتی‌متر عرض دارد. با توجه به حضور قطعاتی همچون تراشه‌های لوالوا و اسکنه ساخته شده روی تراشه لوالوا، قطعات کنگره‌دار و خراشنده‌های جانبی به احتمال این مجموعه دست‌افزار سنگی مربوط به دوره پارینه‌سنگی میانی است (تصویر ۶: شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۹، ۱۰ و ۱۲).

منابع سنگ

طی بررسی در حاشیه غربی روستای رگ در بخش شرقی منطقه مورد بررسی در سطح بخش‌های تپه ماهوری و در حاشیه جنوبی محوطه لاخ آتش (Kh. 054) یک برون‌زد سنگ چخماق به ابعاد ۳۰×۴۰ متر به صورت رگه شناسائی شد (تصویر ۹). این برون‌زد در بین اهالی بومی منطقه به نام معدن سنگ لاخ آتش شناخته می‌شود و شواهد برداشت در سطح سنگ‌ها به وضوح قابل رویت است (تصویر ۱۰). محوطه پارینه‌سنگی کمربیک در ۱۵۰ متری غرب آن و محوطه ۰۵۴ در اطراف این معدن قرار گرفته و محوطه‌های قلعه خوانند نیز در فاصله حدود ۴ کیلومتری از آن قرار دارد. گرچه دست‌افزارهای گردآوری شده از سطح معدن لاخ آتش چندان شاخص نیست، اما توجه به اینکه برخی از دست‌افزارهای شناسایی شده در محوطه‌های پارینه‌سنگی خوسف از نظر جنس و رنگ و پوسته مشابه مواد برون‌زد معدن لاخ آتش است، احتمالاً در گذشته از این معدن جهت تامین منبع سنگ خام ساخت ابزارها استفاده شده است.

تراشه روتوش‌دار و دو ریزتیغه می‌شود. قطعات مزبور از جنس سنگ چخماق به رنگ قهوه‌ای روشن، قرمز، خاکستری روشن و کوارتز به رنگ سفید شیری و کرم با کیفیت مرغوب تا نیمه مرغوب تراشیده شده است. تنها یک قطعه دارای حدود ۲۰ درصد پوسته است و مابقی قطعات فاقد پوسته اولیه است. این یافته یک تراشه روتوش‌دار (احتمالاً خراشنده جانبی) بوده که در بخش‌هایی از لبه دارای روتوش پراکنده است. تراشه‌های روتوش‌دار و دندان‌دار مجموعه شامل قطعاتی است که در یکی از لبه‌های خود دارای روتوش یا دندان هستند. روتوش‌ها معمولاً نامنظمند. گرچه به دلیل فقدان یافته شاخص در میان مجموعه، بحث درباره تاریخ‌گذاری مجموعه بسیار دشوار است، اما با توجه به حضور مصنوعات همچون خراشنده جانبی (۲)، مجموعه مزبور را می‌توان با قید احتمال مربوط به دوران پارینه‌سنگی دانست (تصویر ۶: شماره ۸).

سرآب همند

محوطه سرآب همند، تقریباً در فاصله ۲۷۰ متری جنوب شرقی روستای همند بر روی یک سری تپه ماهور در حاشیه دشت قرار گرفته است (تصویر ۷). این محوطه در منطقه‌ای با چشم‌انداز کوهپایه‌ای - کویری قرار گرفته به گونه‌ای که انتهای جانب شرقی آن کوهپایه‌ها و انتهای جانب غربی آن را زمین‌های لم یزرع کویری و اندک زمین‌های حاصلخیز کشاورزی روستا، فرا گرفته است. با توجه به اینکه محوطه روی تپه ماهوری قرار گرفته که فاقد پوشش گیاهی است، در نتیجه سطح آن در اثر بارش باران‌های سیل‌آسا به شدت فرسایش یافته است. در بررسی این محوطه علاوه بر سفال‌های متنوع از دوره مفرغ، اشکانی و اسلامی، مجموعه‌ای از دست‌افزارهای سنگی گردآوری گردید. دست‌افزارهای سنگی عمدتاً در دامنه غربی تپه ماهوری که محوطه روی آن قرار گرفته، پراکنده شده بود. احتمالاً در اثر فرسایش دست‌افزارها از روی محوطه شسته شده و برخی از آن‌ها در زیر رسوبات مدفون گردیده‌اند. طی بررسی این محوطه مجموعاً ۱۴ قطعه دست‌افزار سنگی گردآوری شد. این مصنوعات از سنگ چخماق به رنگ قهوه‌ای روشن، قهوه‌ای متمایل به زرد، جگری و قرمز، هماتیت سیاه و کوارتز سفید

جمع‌بندی

به طور کلی شواهد و بقایای فعالیت‌های انسان عصر سنگ در بخش شرقی بررسی و در مناطق کوهستانی و تپه ماهوری شهرستان خوسف واقع شده‌اند. از نظر فناوری دست‌افزارهای گردآوری شده بر اساس تولید تراشه از سنگ مادرهای ساده و دیسکی شکل بوده و اکثر قطعات فاقد پوسته اولیه هستند که این موضوع را بایستی در ارتباط با دسترسی به منابع سنگ خام مورد توجه قرار داد. گرچه یافته‌های سطحی سه محوطه خوانند ۲ (Kh. 039)، لاخ آتش (Kh. 054) و بارانداز (Kh. 078) صرفاً شامل چند قطعه دست‌افزار سنگی غیرشاخص می‌گردند که به راحتی نیز قابل تاریخ‌گذاری نیستند و تنها می‌توان آن‌ها را با قید احتمال به دوره پیش از دوره نوسنگی نسبت داد، اما قطعاتی همچون تراشه‌های لولوا، خراشنده‌های جانبی و انتهایی، قطعات کنگره‌دار/ داندانه‌دار و روتوش‌دار در میان مجموعه دست‌افزارهای سنگی محوطه‌های کمربیک و سراب همد وجود دارد که با قطعیت بیش‌تری می‌توان آن‌ها را به دوره پارینه‌سنگی میانی نسبت داد. با توجه به شمار اندک یافته‌های سطحی نمی‌توان بحث چندانی درباره نوع و ماهیت کاربری محوطه‌ها انجام داد. طی بررسی گرچه محوطه‌ای که بیانگر اردوگاه پایه یا کارگاه ابزارسازی باشد، شناسایی نشد، اما وجود محوطه‌ای همچون چهل‌دختران در شهرستان سریش که به عنوان یک کارگاه ساخت دست‌افزار سنگی معرفی شده (برفی و سروش، ۱۳۹۲) و در فاصله حدود ۴۵ کیلومتری به خط مستقیم از محل پراکنش محوطه‌های پارینه‌سنگی خوسف قرار گرفته، بیانگر حضور احتمالی چنین محوطه‌هایی در منطقه است که با بررسی‌های روشمند و پیمایشی در آینده شناسایی خواهند شد.

هرچند شواهد به دست آمده از بررسی سال ۱۳۹۳ بسیار پراکنده و به ندرت شاخص است، اما همین شواهد محدود نشان می‌دهد که منطقه از منظر مطالعات باستان‌شناسی پارینه‌سنگی دارای قابلیت‌هایی است که تاکنون نادیده گرفته شده است. کشف این یافته‌ها حاکی از وجود قابلیت‌هایی در زمینه مطالعات باستان‌شناختی دوران پارینه‌سنگی در نیمه شرقی فلات ایران و حاشیه شرقی کویر لوت است که با انجام بررسی‌های

پیمایشی روشمند با هدف شناسایی محوطه‌های پارینه‌سنگی، به احتمال فراوان در آینده اطلاعات جدیدی به دانش محدود ما در این زمینه خواهد افزود و نقش منطقه در میان بخش شرقی کشور را در زمینه باستان‌شناسی دوران پارینه‌سنگی و نحوه مهاجرت انسان‌ریخت‌ها در عصر پلیستوسن روشن‌تر خواهد نمود.

سپاسگزاری

از خانم دکتر حمیده چوبک رییس پژوهشکده باستان‌شناسی که مجوز این پژوهش را صادر نمودند، تشکر می‌کنیم. از کارمندان اداره میراث فرهنگی خراسان جنوبی به منظور تسهیل امور و فراهم آوردن مقدمات کار میدانی کمال تشکر را داریم. مراتب سپاسگزاری خویش را به آقایان دکتر فریدون بیگلری، دکتر حامد وحدتی‌نسب و دکتر سجاد علی‌بیگی به پاس کمک‌هایشان در مطالعه دست‌افزارهای سنگی و بازخوانی متن مقاله تقدیم می‌نماییم. از آقایان محسن حیدری و خسرو احمدی که در بررسی میدانی ما را یاری رساندند سپاسگزاریم. در پایان از آقای سعید بهرامیان برای تهیه نقشه‌ها و خانم مهدیه دیوارگر به منظور طراحی مصنوعات سنگی متشکریم.

منابع

الف) فارسی

برفی، سیروس و محمدرضا سروش، ۱۳۹۲، «یک کارگاه ساخت مصنوعات سنگی در دوره پارینه‌سنگی میانی، شهرستان سریش، خراسان جنوبی»، در: مجموعه مقالات همایش ملی باستان‌شناسی ایران (فرصتها، چالشها و آسییها)، به کوشش حسن هاشمی زرج‌آباد، محمدحسن قریشی و ذبیح‌الله مسعودی، بیرجند، ۱۳۹۲، دانشگاه بیرجند، صص ۱-۱۲.

زارعی، علی، محمدرضا سروش و حسن کریمیان، ۱۳۹۱، «تاریخچه مطالعات و پژوهش‌های باستان‌شناسی جنوب خراسان»، مجله مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، شماره ۲۲ و ۲۳، صص. ۶۰-۲۷.

زمردیان، محمدجعفر، ۱۳۸۳، ژنومورفولوژی ایران (فرایندهای ساختاری و دینامیک‌های درونی)، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

لباف خانیکی، رجبعلی، ۱۳۷۷، «مروری بر مطالعات باستان‌شناسی خراسان»، فصلنامه خراسان پژوهی، سال اول، شماره اول، صص ۲۲-۹.

مسعودی، ابولفضل و محمدرضا کاویانی، ۱۳۸۵، اقلیم‌شناسی ایران، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

Ariai, A., & Thibault, C., 1975, "Nouvelles Precisions a Propos de l'outillage Paleolithique Ancien sur Galets du Khorassan (Iran)", *Paleorient*, Vol. 3: 101-108.

Biglari, F., Shidrang, S., 2006, "Lower Paleolithic Occupation of Iran", *Near Eastern Archaeology*, Vol. 69, Nos. 3-4, pp. 160-168.

Coon, C., 1951, *Cave Explorations in Iran 1949*, Philadelphia: the University Museum, university of Pennsylvania.

————, 1957, *The Seven Caves, Archaeological Explorations in the Middle East*, New York: Alfred A. Knofe.

صدیقیان، حسین و میثم نیک‌زاد، ۱۳۹۳، گزارش بررسی باستان‌شناختی شهرستان خوسف، خراسان جنوبی، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی (منتشر نشده).

ب) غیرفارسی

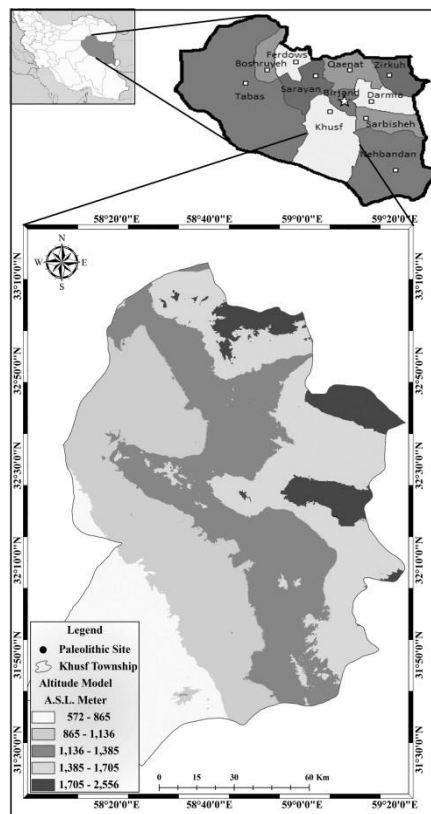
Hume, G.W., 1976, *The Ladizian: an Industry of Asian Chopper-Chopping tool Complex in Iranian Baluchistan*, Philadelphia: Dorance & Company.

Jamialahmadi, M., Vahdatinasab, H., Fazelli Nashli, H., & Beshkani, A., 2008, "Kashafrud Revisited: Discovery of New Paleolithic Sites in North-eastern Iran", *Antiquity*, Vol. 82, Issue 317, Project Gallery.

Vahdatinasab, H., Hajami, S., Mortazavi, M., 2010, Paleolithic Ladiz Revisited: a Reassessment of the Ladizian Lithic Industry, Baluchestan, Iran, *Antiquity*, Vol. 84, Issue 324, Project Gallery.

Vita-Finzi, C., & Copeland, L., 1980, Surface Finds from Iranian Makran, *IRAN*, Vol. XVIII, pp. 149-55.

تصاویر



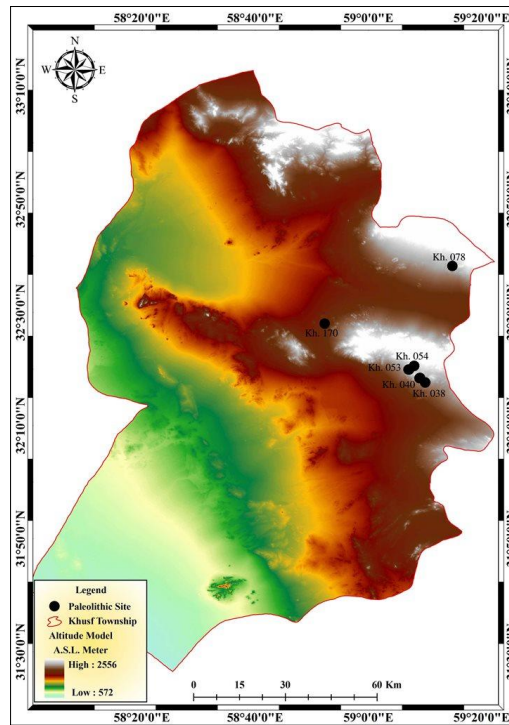
تصویر ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان محدوده بررسی



تصویر ۳: چشم‌انداز تپه‌ماهوری بخش‌های شرقی محدوده بررسی



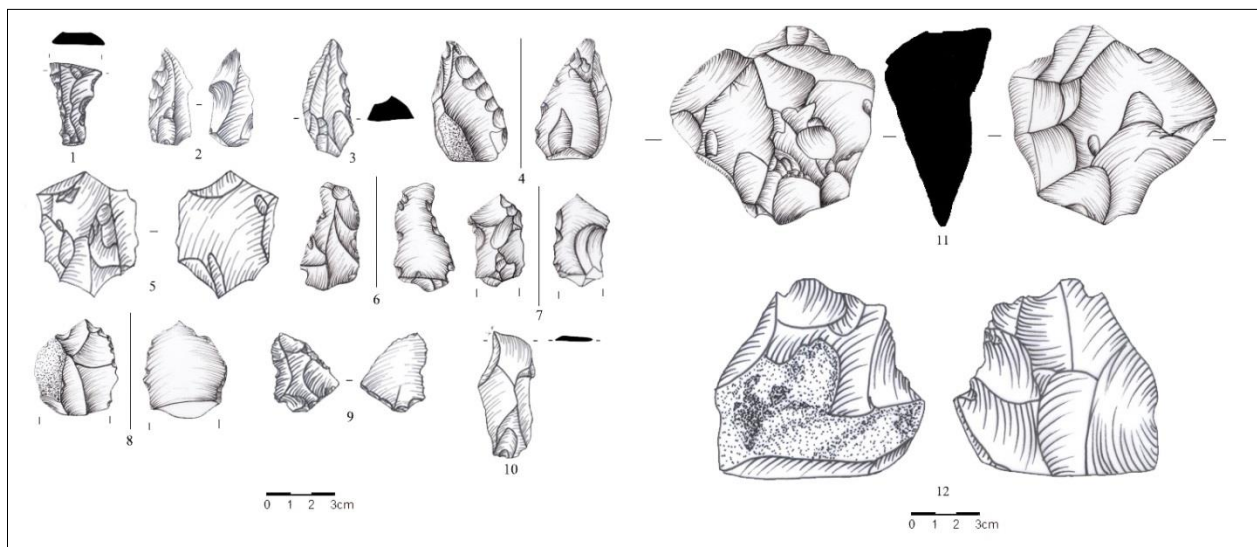
تصویر ۲: چشم‌انداز بیابانی در بخش‌های غربی محدوده بررسی



تصویر ۴: نقشه پراکنش محوطه‌های پارینه‌سنگی



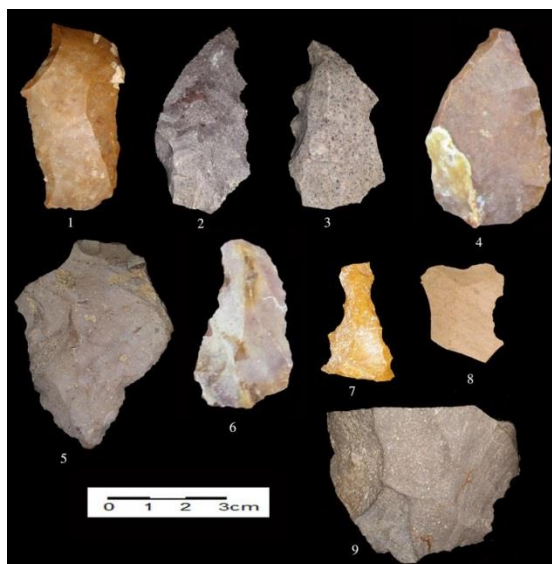
تصویر ۵: محوطه قلعه خوانند



تصویر ۶: طرح دست‌افزارهای شاخص محوطه‌های پارینه‌سنگی: ۱- کنگره‌دار (Kh. 170)، ۲- کنگره‌دار (Kh. 170)، ۳- خراشنده انتهایی (Kh. 170)، خراشنده جانبی (Kh. 053)، سنگ مادر دیسکی شکل (Kh. 038)، ۴- ترشه روتوش شده (Kh. 053)، ۵- ترشه روتوش شده/داندانه‌دار (Kh. 038)، ۶- ترشه روتوش شده (Kh. 078)، ۷- ترشه روتوش شده (Kh. 170)، ۸- اسکنه روی ترشه لوالوا (Kh. 170)، ۹- سنگ مادر چندسویه (Kh. 054)



تصویر ۷: محوطه سراب همند



تصویر ۸: برخی از دست‌افزارهای شاخص سراب همند



تصویر ۹: معدن لایخ آتش



تصویر ۱۰: شواهد برداشت از معدن سنگ لایخ آتش